ISSN: 2538-6298
پژوهش در هنر و علوم انسانی
ماهنامه پژوهش در هنر و علوم انسانی
سال هشتم، شماره ۹ (پیاپی: ۶۰)، آذر ۱۴۰۲

بررسی حس مکان در غنی‌ترین منظر انسان ساخت (باغ ایرانی)؛ نمونه موردی باغ چهلستون بهشهر

عباسعلی رنجبر[۱]، عالمه صالحی بالادهی[۲]*، آتنا صالحی[۳]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۱۴
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۲۷
کد مقاله: ۴۳۳۲۲

چکـیده

بیان مسئله: باغ ایرانی به عنوان گونه‌ای از معماری منظر از مهم‌ترین سبک‌های باغسازی جهان به شمار می‌رود، که در مقایسه با معماری منظر معاصر، کیفیات محیطی متفاوتی مشاهده می‌گردد . کیفیاتی که برخاسته از معانی و مفاهیمی است که باغ ایرانی را به مثابه‌ی یک «مکان » تعریف می‌نماید. باغ ایرانی تجسم هنر و جهان‌بینی کهن و معماری منظر ایرانی است که از دیرباز در زندگی فرد ایرانی حضوری دائمی داشته، و شامل کیفیات و الگوهای مطلوبی جهت برقراری و تقویت رابطه‌ی انسان و طبیعت در یک اثر انسان‌ساخت است. علی‌رغم تداوم زیبایی‌شناسی اولیه در باغ ایرانی در سراسر دوران اسلامی ، شاهد دگرگونی در جنبه‌های معنایی آن نزد مخاطب ایرانی هستیم. با وجود آنکه تغییر در جهان‌بینی انسان معاصر منجر به عدم ادراک تمامی وجوه کالبدی باغ ایرانی، که زاینده و خاستگاه معانی آن است، می‌گردد، اما به نظر می‌رسد که در مواجهه وی با باغ سهمی از این کیفیات قابل دریافت می‌باشد. ادراک باغ ایرانی به عنوان آنچه «هست» می‌تواند در قالب مفهوم «حس مکان» خوانشی از آن را فراروی انسان قرار دهد.
هدف پژوهش: هدف اصلی مقاله رسیدن به ادبیات جامعی از «حس مکان» در باغسازی ایرانی و هدف فرعی آن تبیین مولفه تاثیرگذار درارتقاء حس مکان در باغ چهلستون بهشهراست.
روش پژوهش: در این پژوهش که از نوع کیفی اســت در ابتدا به توصیف و شناخت حس مکان در باغ ایرانی وعوامل مرتبط با آنها وسپس به کیفیتهای تأثیرگذار بر شــکل گیری حس مــکان در باغ چهلستون بهشهر به استناد بر اطلاعات کتابخانه ای پرداختیم.
نتیجه‌گیری: منظر باغ ایرانی، بسان آیین های متجلی میشود که هر ایرانی، خویش و فرهنگ و ارزشها و حیات خود را در آن منعکس میبیند. خویش را جزئی از آن و آن را جزئی از خویش دانسته و احساس یگانگی و وحدت با باغ مینماید. روش‌های به کار رفته در باغ چهلستون به منظور القا و تقویت حس مکان را میتوان، شامل به کارگیری فرمهای آشنایی که ریشه در فرهنگ و هنر باستان ایران دارد و همچنین استفاده از عناصر نمادین و معنادار که غالباً مرتبط با باورهای مذهبی است دانست که از آن جمله می توان به شاخصه هایی مانند هندسه، تقارن، سلسله مراتب، محصوریت و باغ بهشت و .... اشاره کرد.

واژگـان کلـیدی: مکان، حس مکان، باغ ایرانی، منظر، چهلستون.

۱- گروه معماری، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی ساری، ایران
۲- دانشجوی دکتری معماری، گروه معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران (نویسنده مسئول)
asalehi13@ yahoo.com
۳- دانش آموخته کارشناسی ارشد پژوهش هنر، گروه هنر، دانشگاه شاهد، تهران، ایران

۱- مقدمه

معماری ایران دارای ویژگی‌هایست که در مقایسه با معماری کشور های جهان از ارزش و رمز و رازی مختص به خود برخوردار است ،این ویژگی ها چون طرحی متناسب، هندسه ای بدیع، تناسبات موزون، سازه ای دقیق وخلاقیت های نو وبالاخره تزیینات گوناگون که هریک درعین سادگی معرف شکوه معماری این سرزمین است. هنر باغ سازی یکی از کهن ترین هنرهای ایرانیان است که دارای سنت های ارزشمند وقدرتی معنویست .شکل باغ درایران از دیرباز تا کنون با طبیعت و میزان آب تناسب کامل داشته،بنابراین از دیرباز باغ ها به شیوه‌های گوناگون ساخته شده اند .با روی آوردن ایرانیان به دین اسلام وترویج جهان بینی اسلامی ، ایرانیان بهشت را در این عالم طرح کردند که با خصوصیات این دنیا مطابقت دارد اما تصویری از آخرت را تداعی میکند و بالاخره می توان اذعان داشت که باغ ایران مزین به نظم و تناسب، برخوردار از حرمت و محرمیت، منزه از بیهودگی وافراط وتفریط، مساعد با قناعت وصرفه جویی ومجهز به پایداریست. باغ ایرانی پدیده ای است که انعکاس آن را می توان در جای جای تمدن ایران زمین مشاهده کرد. نه فقط ایرانیان دلبسته باغ های خود هستند، بلکه بسیاری از کسانی که در گوشه و کنار این دنیای پهناور زندگی می کنند، در نهاد خود کششی به این اثر هنری احساس می کنند. این امر نشانگر آن است که الگوی باغ ایرانی از ذهنیتی ناب و اندیشه ای متعالی سرچشمه گرفته و آینه ای تمام نما از مأوای گمشده ی انسان است، پس اینگونه می توان بیان داشت که آنچه منظر عرضه می دارد و آنچه مخاطب خود و براساس نیازها، انگیزه ها، و پیش اندوخته ها(از فرهنگ تا سابقه ی ذهنی و ..) جستجو می کند، گستره ای وسیع و قابل تامل وجود دارد، بنابراین این ارتباط، گفتگویی دوسویه است؛ از یک سو انسان و نیازها و خواستهای او از منظر(آنچه در تجربه منظر با خویش به همراه می آورد) از دیگر سوی، منظر، با قابلیت ها، کیفیت ها و توان پاسخگویی اش و آن چه با خود به ارمغان دارد.منظری که در این گفتار عنوان شده،باغ ایرانیست که با وجود پیشینه‌ای طولانی، هم‌چنان ابعاد ناشناخته‌ای دارد؛ با شناخت الگوهای سرزمینی در مناطق مختلف ایران می‌توان به این مهم دست یافت در این پژوهش برآنیم تا ماهیت وویژگی های باغ چهلستون را مشخص و مورد بررسی قرارداده و از آن طریق به فاکتورهای ایجاد حس تعلق در باغ چهلستون بهشهر دست یابیم.

۲- پیشینه تحقیق

بررسی حس مکان به عنوان یک سرویس اکوسیستم فرهنگی در مناظر مختلف از دریچه زبان عنوان پژوهشی است که توسط Wartmann, & Purvesدر سال ۲۰۱۹ انجام شده است، که بینشهایی را درباره کاوش حس مکان در مناظر مختلف ارائه میدهد.Power & Wirfs-Brock (۲۰۱۸) حس مکان در حلقه فضیلت پذیر تصمیمگیری معماری را مورد بررسی قرار می دهند. Ryfield و همکاران (۲۰۱۸) بیان می کنند که ما نیاز به نقش مهمتری را برای حس مکان به عنوان یک دسته از خدمات اکوسیستم فرهنگی و برای اقدامات تحقیقاتی که میتواند ماهیت مادی و اجتماعی حس مکان را توضیح دهد، داریم. Quinnو همکاران (۲۰۱۸) بیان میکنند که یافته های ما به تئوری در مورد تجربه ذهنی ریسکهای مبتنی بر مکان کمک میکند وپیامدهایی برای نحوه انتقال و مدیریت تغییرات اجتماعی و محیطی دارد. zlender & Gemin(۲۰۲۰) در پژوهشی بیان می کنند که درک حس مکان مردم نسبت به فضاهای سبز حاشیه شهری برای ترویج رفتار مربوط به مکان و درنتیجه اولویت بندی پاسخهای سیاستی مؤثر برای اطمینان از آینده پایدار این مناطق بسیار مهم است. Zanganeh (۲۰۱۸) بر این باورند که فقدان احساس تعلق در تمامی محیطهای شهری اعم از شهرهای کوچک، شهرها، شهرها و کلانشهرهای میانه مشکلات پنهانی دارد که بی ریشه ای، بی هویتی، بی تفاوتی و مسئولیت ناپذیری شهروندان را آشکار کرده است(بهزادپور وهمکاران، ۱۴۰۱)

صاحبنظران و پژوهشگرانی چون حمیدرضا عظمتی، غلامرضا نعیما، محمد نقی زاده، بهاره حسینی مقدم، دونالد نیوتن ویلبر، طاهره نصر، هما ایرانی بهبهانی، فاطمه حیدری، آزاده شاهچراغی، زهره فاضل‌زاده، نازیکا ماندانا، لوئیجی زانگری و...پژوهش‌های متعددی در زمینهٔ باغ ایرانی و ویژگی‌های آن انجام داده‌اند. به دلیل شرایط آب و هوایی کرانهٔ جنوبی دریای خزر و آثار اندک به جا مانـده از باغ‌های تاریخی آن ناحیه، مطالعـه و پژوهـش ناچیـزی در این خصوص صـورت گرفته اسـت، ازجمله: سرفراز (۱۳۸۳) بـاغ عباس آباد بهشـهر و چارتاقـی مرکزی آن را مورد بررسی قـرارداده اسـت؛ مصبـاح نمینـی (۱۳۸۳) در مقالـه‌ای رونـد شـکل‌گیری و نقـش آب را در باغ‌هـای بهشـهر بررسـی کـرده اسـت؛ حیدرنتـاج (۱۳۸۹) در رسـالهٔ دکتـرای خـود، هنجـار شـکل‌یابی باغ‌های مازنـدران را مورد بحـث قـرارداده و نحـوهٔ شکل‌گیری آن‌هـا را بـا باغ‌های ایرانـی مقایسـه کرده است(صالحی و همکاران،۱۴۰۱)

۳- ادبیات موضوع

۳-۱- تعریف مکان

تاکنون مدل کانتر یکی از پراقبال‌ترین مدل‌های ارایه شده از مفهوم مکان بوده است. طبق مدل کانتر فرم، فعالیت و معنی سه مؤلفه‌ی تشکیل دهنده‌ی مکان هستند و مکان دارای سه بعد کالبدی، عملکردی و ادراکی- شناختی است (Canter,1997). یا آن‌گونه که توآن می‌گوید، مکان نوع خاصی ازشیء است. مکان تجسم مادی ارزش‌هاست،

اگرچه شیء ارزشمندی نیست که بتوان به آسانی آن را جابه‌جا کرد، بلکه شیای است که می‌توان درآن ساکن شد (Gustafson, 2014). رلف به عنوان یک پدیدارشناس، مکان را متشکل از محیط طبیعی و مصنوع در کنار اعمال انسانی و معانی می‌داند که تجربه آن می‌تواند در مقیاس‌های مختلف روی دهد (Relph, 1976). هم‌چنین مکان از سه مؤلفه مرتبط به هم که بدان معنا و مفهوم خاص می‌بخشد تشکیل شده است. محیط فیزیکی، روان‌شناسی درونی افراد و فرآیندهای اجتماعی (Canter, 1997)، به عبارت دیگر مکان یک شی نیست بلکه جزئی از یک کلیت است که از تجربه‌ی حوادث پرمعنا احساس می‌شود. مکان تجربه فضا به وسیله انسان است. «هیچ مکانی بدون خویشتن فرد وجود ندارد و هیچ خودی بدون مکان، معنا نمی‌شود و موجودیت نمی‌یابد.» (Casey, 2001) هم‌چنین می‌توان مکان را مفهوی تصورکرد که در تعامل پویا با نهادهای دیگر (مردم، اشیاء، افکار و دیگر مکان‌ها) حادث شده و تجربه می‌گردد (Degnen, 2016). در جدول ۱ تعاریف برخی از اندیشمندان مطرح در رابطه با مفهوم مکان بیان شده است.

جدول۱- تعاریف برخی از اندیشمندان مطرح در رابطه با مفهوم مکان. مآخذ: (علینام، ۱۳۹۳)

نویسندگان	نظریات
نوربرگ شولتز	مکان، ثبات و پایدار فضایی و زمانی زیست جهان است.
لوگان و مولوچ	واقعیت یک مکان همواره پذیرای آن است که تعریف خود را در دل یک فرایند اجتماعی جای دهد.
راپاپورت	مکان را یکی از چهار عنصر تعریف کننده فضا معرفی می‌کند، که در ترکیب با معنی، زمان و ارتباطات، محیط انسان ساخت را شکل می دهند.
گودال	در حالی که فضا را گستره‌ای باز و انتزاعی ببینیم، مکان بخشی از فضا است که به وسیله شخص یا چیزی اشغال شده است. مکان مرکز ارزش محسوس است، که همراه به امنیت و پایداری نیازهای زیستی انسان برآورده می‌کند.
رلف	مکان به معنی داشتن یک نقطه امن است که می‌توان از آن‌جا به دنیا نگریست، یک اتصال قوی که انسان را در موضعش با سایر اشیاء مرتبط می‌سازد، و دستیابی و یا ارتباط روحی و روانی با یک نقطه مشخص است.
تامس و کراس	مکان، مفهومی چند بعدی شامل این پدیده‌هاست: جهان طبیعی، محیط ساخته بشر، روابط اجتماعی، روابط اقتصادی و نیز معنایی که به طور اجتماعی در مورد هر بعد خلق می‌گردد.

۳-۲- حس مکان

از عوامل مؤثر در کیفیت معنایی فضای معماری، می‌توان به حس مکان اشاره کرد. حس مکان متأثر از معانی و بسیاری از قراردادهای روانی- رفتاری اجتماع است. از نگاه پدیدارشناسان، حس مکان به معنای مرتبط شدن با مکان به‌واسطه درک نمادها و فعالیت‌های روزمره است (Relph,1976). حس‌مکان، تنها برای توضیح نوع و نحوه‌ی درک و دریافت یک مکان توسط فرد نیست بلکه مفهومی ارزشی و چند بعدی است و به شناسایی نمادین و عاطفی فرد نسبت به مکان مربوط می‌شود (Popović et al.,1998)، هم‌چنین مجموعه‌ای از احساسات خود آگاه و ناخود آگاه فرد است و مفهومی غنی‌که چگونگی دریافت، تجربه و بیان افراد را شامل می‌شود و به یک مکان‌معنا می‌دهد و حس فرد از مکان روی نگرش‌ها و رفتار وی درآن مکان تأثیر می‌گذارد (Shamai,1991)، «هیومن» حس مکان را در پنج سطح معرفی می‌کند که عبارت است از ریشه‌داری ناخودآگاه، مکان نسبی، ریشه‌داری عقیدتی، بیگانگی با مکان و بی مکانی (Hummon,1992)، جکسن می‌گوید: «حس مکان در اروپا بیشتر بر پایه خصوصیات کالبدی تعریف می‌شود تا در امریکا». در امریکا حس مکان بر اساس رویدادهای روزانه، هفتگی یا فصلی اتفاق می‌افتد. از دیدگاه زمانی، ابعاد کالبدی مکان در زمان‌های کوتاه ثابت‌اند و در زمان‌های بلند توسط ابعاد اجتماعی- فرهنگی تغییر می‌کنند (Jackson, 1994)، از اثرات مثبت حس مکان می‌توان به احساس راحتی فرد نسبت به محیط و حمایت از مفاهیم فرهنگی و روابط اجتماعی و هم‌چنین یادآوری تجربه‌های گذشته برای دست یافتن به هویت نام برد (Norberg- Schulz, 2013). مفهوم حس مکان در مطالعه‌ی تعلق انسان به مکان، دلبستگی و معنای مکان استفاده می‌شود. حس مکان معمولاً به عنوان یک تصور کلی شامل راه کلی که در آن مردم احساسی در مورد مکان دارند و آن را حس می‌کنند و به آن مفاهیمی اختصاص می‌دهند و برایش ارزش‌هایی قائل می‌شوند، تعریف شده است. تعاریف بسیاری برای مکان اعلام شده است، اما معمولاً اصطلاح «مکان»، به عنوان مخالف فضا، یک پیوند عاطفی قوی بین یک فرد و یک محیط خاص بیان می‌دارد (Sime, 1986) حس مکان به مکان احساس امنیت و لذت می‌بخشد و باعث دلبستگی به مکان می‌شود. بررسی آثار نشان می‌دهدکه افراد، علاقه‌مند توجه به مکان‌هایی که حس قوی از مکان برای آن‌ها دارد، می‌باشند (Steele, 1981) کانتر (۱۹۷۷) و پس از آن کارمونا (۲۰۰۳) حس مکان را ترکیبی از کالبد، فعالیت و معنا تعریف کرده‌اند که در شکل ۱ مشاهده می‌فرمایید (Canter,1977; Carmona,2021).

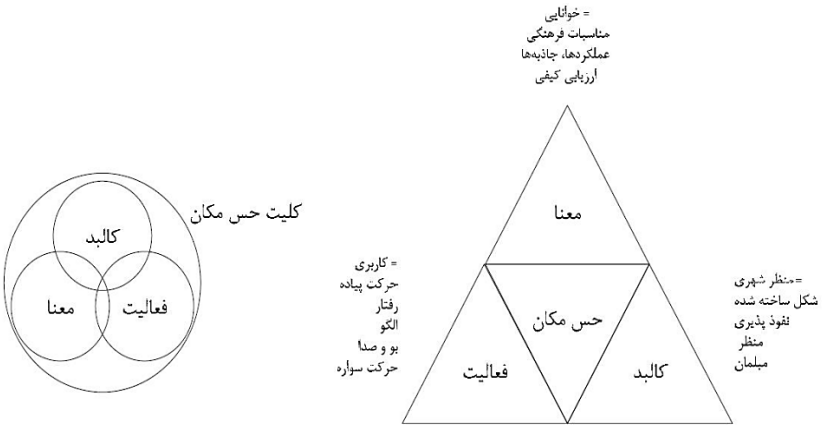

شکل ۱- ساختار مکان بر اساس Canter,1977; Carmona,2021

گوسو استدلال می‌کند که حس مکان مراحل مختلفی دارد و توضیح داد که سطح اول از حس مکان آشنایی با مکان است. این سطح، مشمولِ مکان بودن بدون توجه به معانی آن است. بسیاری از مردم مکان را در این سطح تجربه می‌کنند و ارتباط آن‌ها با بعضی از نقاط تنها از طریق فعالیت می‌باشد. این افراد توجه خاص به محل خود نمی‌کنند و تجربه‌شان از محل فقط سطحی است. به علاوه، آن‌ها احساس نمی‌کنند که به محل تعلق دارند و هیچ تلاشی برای توسعه‌ی دلبستگی به مکان ندارند. سطح دوم از حس مکان به عنوان یک آشنایی عادی با مکان توصیف شده است. این سطح از تجربه ناخودآگاه درک شده است و بیشتر جمعی و فرهنگی است تا شخصی. در این سطح از حس مکان، مردم مشارکت عمیق و قوی با مکان دارند. آن‌ها در فعالیت‌های اجتماعی نقش خواهند داشت، اما توجه نزدیک به سمبل‌های محل دارند. این سطح از آشنایی معمولاً در مکان‌های آشنا و مقدس تجربه می‌شود. سطح سوم از حس مکان آشنایی عمیق با مکان است. این شامل، احساس درونی وجودی از یک فرد است و به طور ناخودآگاه تجربه می‌شود. در این سطح یک فرد با مکان یکپارچه است (Gussow, 1972). از نظر رِلف عمیق‌ترین سطح وابستگی به مکان به صورت ناخودآگاه به وجود می‌آید و طی آن اُنس و آشنایی با مکان از بخش هوشیار آگاهی محو می‌شود. او هفت درجه از بیرونیت و درونیت را برای حس مکان، بیان می‌کند (Relph, 1976). از نظر شامای حس مکان متشکل از سه سطح است. تعلق به مکان در سطح اول ،مرحله دوم دلبستگی به یک مکان و سوم تعهد به یک مکان. معمولاً برای حس مکان، خط سیر رابطه احساسات، افکار، تجارب و خاطرات عموماً مثبت درباره یک مکان در نظر گرفته می‌شود با توجه به این این خط سیر، مفاهیم دلبستگی به مکان، هویت مکان را می‌توان به عنوان اجزای تحت پوشش حس مکان پذیرفت (Shamai, 1991).

بر اساس مطالب بیان شده و دیدگاه صاحبنظران فوق میتوان گفت حس مکان در اثر ارتباط متقابل انسان با عوامل کالبد فیزیکی، فعالیتها و معانی در وی شکل میگیرد. عوامل کالبدی به واسطه کیفیت طراحی، معانی و فعالیتها را بهبود بخشیده و با مرتفع ساختن نیازهای مختلف انسان باعث سلسله ای از ادراکات، رضایتمندی و درنهایت حس مکان میشوند(فلاحت، ۱۳۸۵).

الف- عامل معنا: باغ ایرانی با تکیه بر «معانی» به مکانمند کردن فضا میپردازد و با تکیه بر مؤلفه های مختلف اقلیمی، فرهنگی و اجتماعی تلاش میکند هویت مکان را تقویت کند و بدین ترتیب ارتباط مخاطب با مکان و پیامد آن یعنی حس مکان را افزایش دهد. حس مکان از یکسو ریشه در تجربیات ذهنی همچون خاطره، سنت، تاریخ، فرهنگ، اجتماع و... داشته و از سوی دیگر متأثر از زمینه‌های عینی و کالبدی محیط ساخته شده است(حقیقت بین, ۱۳۹۶).

ب- عوامل کالبدی: کالبد به همراه متغیرهای فرم و ساماندهی اجزاء، به عنوان مهمترین عوامل در شکل گیری حس تعلق ارزیابی میشوند عناصر کالبدی از طریق ایجاد تمایز محیطی ارتباط درون و بیرون در فضاها به ایجاد حس تعلق میپردازد، از سوی دیگر عناصرکالبدی از طریق همسازی و قابلیت تأمین نیازهای انسان در مکان در ایجاد حس تعلق مؤثر میباشد (جوان فروزنده و همکاران،۱۳۹۰).

ج- عامل فعالیت: یکی از مؤثرترین ویژگی‌های مکان که سبب ارتقای حس مکان میگردد. فعالیت و تعاملات بین انسان- مکان و انسان- انسان در آن مکان است (Relph, 1976) عاملهای اجتماعی مرتبط با مکانی که میتواند باعث سرزندگی یک فضا شود و عاملی مهم در ارتقای حس مکان به عنوان زیر مؤلفه های از فعالیتها تلقی می‌شود (Turner,2006).

۳-۳- باغ

در سال ۱۹۸۲ میلادی در منشور فلورانس، کمیته باغ های تاریخی تعریفی از باغ ارائه کرد که، باغ ترکیبی معمارانه از جماد و نبات است، پس اثری زنده و نمایانگر فرهنگ هر قوم و شرایط اقلیمی زادگاهش است. در دائره المعارف اسلامی در توضیح واژه باغ آمده، محوطه‌ای غالباً محصور، ساخته انسان با بهره‌گیری از گل و گیاه، درخت، آب و بناهای ویژه که بر قواعد هندسی و باورها

مبتنی است (چگینی،۱۳۸۱). هم‌چنین باغ ایرانی پدیده‌ای فرهنگی، تاریخی و کالبدی در سرزمین ایران است و معمولاً به‌صورت محدوده‌ای محصور که در آن گیاه، آب و ابنیه در نظام معماری مشخصی با هم تلفیق می‌شوند و محیطی مطلوب، ایمن و آسوده برای انسان بوجود می‌آورند، ساخته می‌شود (شاهچراغی،۱۳۸۹). باغ ایرانی مانند سایر آثار هنری ایران، در چهارچوب سنت و اصول، از بدایع و ظرایفی برخوردار است و بر قله کمال «وحدت در تنوع» و «تنوع در وحدت» ایستاده است (نعیما، ۱۳۸۵). محیطی همواره سبز و مملو از نمادهایی است که مجموعه‌ای از اعتقادات را به فرد ایرانی یادآوری می‌کند (بمانیان ،۱۳۸۶) و در نهایت باید گفت که باغ ایرانی موجودیتی است که گویای نیازهایی است که روزمره‌اند و کاربردی و هم معنایی‌اند و انتزاعی (فلامکی،۱۳۸۶).

شمال ایران از دورهٔ ساسانی تا دورهٔ صفوی، به ندرت تحت کنترل حکومت مرکزی ایران قرار داشت. اما به دلیل اشتراکات مذهبی شیعی با صفویان و اقلیم معتدل و سرسبزش، همواره مورد توجه ویژهٔ حاکمان صفوی بوده است. لذا در شهرهای آمل، بابل، ساری و بهشهر باغ‌هایی احداث شد که به عنوان تفرجگاه و نمادی از قدرت حاکمیت توسط پادشاهان صفوی مورد استفاده قرار می‌گرفت (رضازاده،۱۴۰۰).

۳-۴- باغ چهلستون در اشرف البلاد

پیتر دلاواله در سال ۱۰۲۷ قمری درباره باغ شاه (چهلستون) چنین می‌نویسد: این باغ عبارت از مربعی است در انتهای جلگه در پای تپه‌های پر درخت واقع شده و پشت کاخ است. دیوانخانه در وسط باغ واقع شده و بنایی است که طول آن سه برابر عرض آن است. جلوی این بنا کاملاً باز است ولی در عقب و طرفین آن دیواری است که از پنجره‌های متعددی پوشیده است.

جلو بنا خیابانی است که سنگ‌فرش است وسط آن جویی جاری است و از حوضی که جلو دیوانخانه ساخته شده دائما آب در این جوی روان است. خیابان بعد از دیوانخانه ادامه پیدا می‌کند و تا پای تپه‌ها و انتهای باغ پیش می‌رود. این عمارت در حمله افغان‌ها سوزانده شد و در سال ۱۱۴۴ قمری مجددا توسط نادرشاه ساخته شده و عمارت چهل ستون نام گرفت. ملگنوف می‌نویسد این عمارت دارای ۱۶ ستون چوبی بود. این عمارت در دوره قاجار به‌طور اساسی تعمیر شد. در زمان پهلوی بنای چهلستون ساخته شد و در حال حاضر ساختمان شهرداری بهشهر است (ستوده،۱۳۶۶).

ملگونف می‌نویسد: در برابر عمارت چهلستون حوضی است که عرضا ۵۰ قدم و طولاً ۶۰ قدم و عمق آن یک زرع و نیم و مسمی به حوض چراغان. در دو طرف آن جوئی سنگی تا دروازه و اطراف آن سوراخ‌ها برای نهادن شمع (ستوده،۱۳۶۶) اطراف حوض از سنگ‌های یک پارچه که روی آن‌ها قالیچه پهن می‌کرده‌اند و کحل نشیمن بوده و شاه از بالا با ایشان گفتگو می‌کرده است. اما متأسفانه در حال حاضر از این حوض بزرگ اثری نیست و تبدیل به فضای سبز شده است. سنگ‌های یکپارچه که در اطراف جوی‌ها بکار رفته است تا امروز نیز باقی است.

بر روی لبه سنگ‌ها سوراخ‌هایی دیده می‌شود که محل قرارگیری شمع بوده است. با روشن کردن این شمع‌ها و انعکاس آن‌ها بر آب مسیر آب به نحو زیبایی نورپردازی می‌شده است. کف باغ سنگ‌فرش بوده است و در سراسر این مسیر آبشارهایی موجود بوده است، امروزه نیز این آبشارها موجودند و آن‌چه که این آبشارها را منحصر به فرد و شاخص می‌کند بافت‌های متنوعی است که این آبشارها دارند. بافت متفاوت روی سنگ این آبشارها باعث می‌شود که آب در هنگام نزول شکل‌های و صداهای مختلفی ایجاد نماید. آبشارها ۷ مرتبه‌اند ۴ آبشار در قسمت جلوی عمارت و ۳ دیگر در قسمت پشت آن.

فریزر در سال ۱۳۲۸ هنگام مشاهده از باغ شاه آن را چنین توصیف کرده است:

در دو طرف سروهای بلند، درختان میوه در باغچه‌ها کاشته شده و جویی‌های آب روان دارد. درختان بلند در اطراف خیابان‌ها تا دیواره باغ و درختچه‌های زینتی در پای آن‌ها و در نهایت ایجاد یک پرسپکتیو زیبا با خودنمایی مسیر آب و عمارت چهلستون (ستوده،۱۳۶۶).

نام باغ چهلستون بر اساس ۱۲ ستونی که روی ایوان عظیمش بود چهل ستون نام گذاری شد.(عدد ۴۰ به جهت فراوانی و کثرت به کار برده می‌شد) بعدها به دلیل تخریب این ایوان نام‌های دیگری برای این باغ به کار برده شد نظیر باغ شاه و هم اکنون نیز نام آن پارک ملت و به دلیل استفاده از کوشک مرکزی باغ به عنوان ساختمان اداری شهرداری نام آن باغ شهرداری نیز نامیده می‌شود.

تعلق خاطر صفویان و به خصوص شاه عباس به ساخت باغ، نه تنها شامل اصفهان شد، بلکه بسیاری از شهرهای دیگر آن دوران از جمله نواحی شمال کشور را در برگرفت. در این دوره می‌توان از دو ناحیه که مورد توجه شاه عباس برای سکونت و تفریح و شکار بود، صحبت کرد. ناحیه «فرح آباد» که به عنوان تفرجگاه و محل شکارگاه شاه محسوب می‌شد، و «بهشهر» که بعدها به دلیل نزدیکی به فرح آباد و وجود مناظر و موقعیت خوب گیاهی، به عنوان یکی دیگر از مکان‌های استقرار شاه عباس انتخاب شد (مصباح نمینی،۱۳۸۳). شاه عباس در دوران ۴۲ ساله حکومت خود، بیشتر مراسم سال نو را در شمال می‌گذراند. از این رو ، به دلایل سیاسی و نظامی از جمله سیاست عدم تمرکز در پایتخت، و توجه به سایر شهرها به ویژه مازندران که دروازه‌های شمالی و شمال شرقی ایران آن زمان به شمار می رفت، عمران و آبادانی و توجه خاصی را برای این نواحی به ارمغان آورد (جمال الدین،۱۳۹۶).

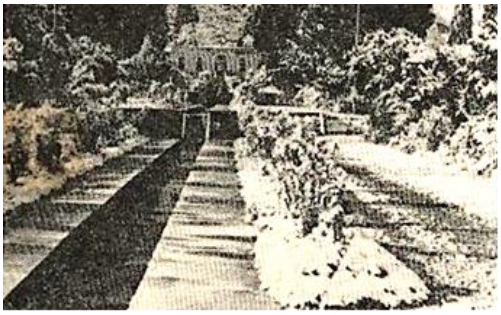

شکل ۲: باغ چهلستون بهشهر در سال ۱۳۵۰ (علی بابا عسگری)

شکل ۳: باغ چهلستون بهشهر در سال ۱۴۰۱ (نگارندگان)

گونه‌های باغ‌های شمال ایران براساس شکل زمین به چهار دسته تقسیم می‌شوند: مستطیل محدود، مستطیل طویل، مربعی و دایره‌ای قابل تفکیک‌اند که وسعت آن‌ها در دو مقیاس وسیع (بیشتر از شش هکتار) و محدود (کمتر از دو هکتار) است. در خصوص توپوگرافی نیز چهار الگوی: مسطح، شیب یک‌طرفه، شیب دوطرفه و شیب چهارطرفه قابل تشخیص هستند. ساختار هندسی این باغ‌ها نیز در دو ساختار محوری و چهاربخشی می‌گنجد. در خصوص نظام استقرار معماری دو ساختار اصلی و رایج استقرار در یک سوم انتهایی محور باغ و محل تقاطع محورهای اصلی قابل ردیابی است. در تبیین تنوع ساختار عمارت اصلی، با دو مسئله مواجه می‌شویم: ابتدا عدم امکان بازیابی دقیق ابنیه به علت فرسایش شدید آن‌ها و دیگری تنوع و گوناگونی آن‌ها. به صورت عمومی، عمارت اصلی در باغ-های شمال ایران جهت سازماندهی نظرگاه، از دو الگوی کوشک های نه قسمتی یا چهارصفه و کوشک‌های سه قسمتی یا یک رویه پیروی می‌کنند. اما در برخی موارد در عمارت اصلی، فضایی ستون‌دار و نیمه باز که گسترهٔ دید را وسیع‌تر می‌نماید، اهمیت می‌یابد و گاهی اوقات نیز کوشک‌هایی آلاچیقی و صرفاً نظرگاهی به عمارت اصلی باغ تبدیل می‌شوند و یا علاوه بر عمارت اصلی، کوشک-نظرگاه‌های آبی دیگری نیز مکمل چشم انداز طبیعی باغ می‌شوند. کارکرد این باغ‌ها، صرفاً دیوانی و حکومتی، خصوصی و تفرجی و باغ‌هایی که ترکیبی از تفرج و حکومتی را توأمان دارند و هم‌چنین باغ‌های خدماتی است (ستوده،۱۳۶۶). باغ شاه یا چهلستون به عنوان مرکز مجموعه باغ‌های بهشهر و در ایده‌آل‌ترین مکان از جهت برخورداری از چشم‌انداز عمیق است. با توجه به استقرار باغ بر دامنهٔ تپه، وجود محور عمیق در این باغ، به عنوان یکی از ویژگی‌های باغ ایرانی، با چشم‌انداز وسیع به محیط پیرامون تلفیق شده و موقعیت خاص و ممتازی را برای باغ ایجاد کرده است. الگوی ساخت عمارت اصلی چهلستون، تلفیقی از ستون‌ها و تالار چوبی و فضای بسته‌ی عملکردی است. موقعیت عمارت در باغ، برخلاف بسیاری باغ های تخت تک محوری، که اکثراً در انتهای محور واقع شده‌اند، در اواسط مسیر است و باغ را دو قسمت کرده است. نکته‌ی دیگر در خصوص محور اصلی باغ این است که محور با ترکیب و طرح و با همان سینه‌کبکی‌ها به مسیر خود تا دامنهٔ تپه ادامه می‌دهد، که این خصیصه در باغ‌های دو بخشی دیگر کمتر دیده می‌شود (دهقان،۱۳۹۹).

باغ چهلستون بهشهر با مساحت ۸ هکتار و به شکل مستطیل وسیع با یک توپوگرافی شیب‌دار و ساختار هندسی محوری از جنبه ساختار (عناصر فضاساز)، کارکردی (عناصر منظرساز) و زیبایی شناختی (عناصر تزیینی) در دوره خود کامل‌ترین باغ آرایی را دارا است، هم‌چنین عمارت اصلی این باغ در یک سوم انتهایی محور اصلی واقع شده و دارای ساختار نظرگاهی دورویه و کارکرد این باغ حکومتی و چشم‌انداز آن بی‌کران می‌باشد.

شکل ٤: عمارت شاه عباسی چهلستون (ستوده،١٣٦٦)

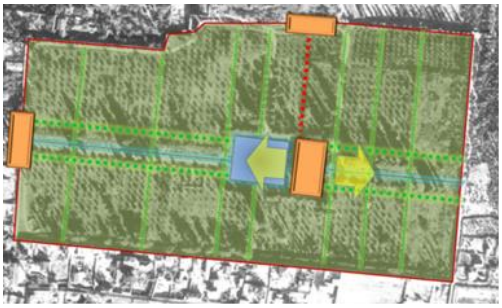

شکل ٥: تحلیل پلان باغ چهلستون؛ استقرار عمارت اصلی با ایوان ستوندار نیمه باز و دید دوطرفه (رضازاده و همکاران، ١٣٩٦)

۴- بحث پیرامون یافته‌ها

از دیرباز تاکنون روحیات و تفکرات انسان بر محیط اطرافش تاثیرگذار بوده، از سوی دیگر محیط طبیعی که انسان در آن می زیسته نیز شیوه زندگی، نگرش و معماری او را تحت الشعاع قرار داده است. در زندگی ماشینی امروز با تمام دغدغه ها و آلودگی هایی که به دست بشر خلق شده، نیاز به محیطی آرام با منظر، و طبیعتی دلنشین بیش از پیش احساس می شود و طراح و سازنده با اشراف بر این موضوع دست به خلق فضایی می زده تا بتواند نیازهای فطری انسان به مانند دست یابی به آرامش را برآورده سازد. باغ یکی از آثار انسانی است که به عنوان عامل هویتی و نمایش عینی و باورهای جامعه ایفای نقش میکند. باغ مد نظر در این پژوهش باغ چهلستون اشرف البلاد (بهشهر کنونی) می باشد

باغ ایرانی مانند معماری ایرانی مردم وار و متناسب با مقیاس انسانی طراحی میشود. برخلاف شیوه های غربی، مانند باغسازی فرانسوی که در ابعاد به خصوص عرض مسیرها و اندازه باغچه ها بسیار اغراق میشود و انسان در آن فضا احساس عدم محصوریت میکند، در باغ ایرانی تمامی ابعاد و فضاها متناسب و در مقیاسی طراحی شده اند که به همراه درختان و سایر عناصر گیاهی و عناصری مانند آبنماها و ...فضایی متناسب و دارای محصوریت مناسب ایجاد کنند. این ویژگی باعث میشود فرد در فضا و به دلیل ابعاد انسانی، نه دچار حس عدم محصوریت شود و نه به واسطه محصوریت زیاد دچار احساس ترس و وحشت شود. درواقع درختان، گلها، پرچینها، آبنماها و... در باغ ایرانی به گونه ای به کار گرفته شده اند که بتواند حریم و محصوریت مناسب و در مقیاس انسانی را فراهم کند، که این ویژگیهای منظرسازی به خصوص در محورهای اصلی و فرعی که دارای عرض بیشتری هستند، کاملًا مشهود است (حقیقت بین, ۱۳۹۶).

با آنکه به نظر می‌رسد ادراک فرد ایرانی از باغ در زمان حال، با آنچه در زمان ساخت آن وجود داشته، بر یکدیگر منطبق نباشد، اما پیوندی عمیق و مستمر میان این دو وجود دارد که به دلیل بستر فرهنگی مشترک در طول سالیان متمادی محفوظ مانده است. اگرچه باغ ایرانی پدیده‌ای ست که بر مبنای نوعی خاص از جهان‌بینی سنتی شکل گرفته، اما انسان مدرن آن را بر مبنای آنچه که امروز «هست» مورد ادراک قرار می‌دهد. آنچه که در ادراک افراد از حضور در باغ ایرانی از گذشته تا به امروز ثابت مانده و تغییر نکرده، عوامل کالبدی باغ ایرانی است، و درواقع انسان در مقام ادراک، و نه ایجاد آن است. همچنین «هرکدام از اجزای کالبدی باغ، علاوه بر دارا بودن کیفیت‌هایی شناخته‌شده، به سبب داشتن کیفیت‌هایی لاهوتی و قدسی به انضمام بار معنایی و تاریخی، در جهت القای حس مکان به مخاطب نقش به سزایی دارند.» (مدقالچی، ۱۳۹۳).پس می توان عوامل کالبدی و معنایی حاکم بر ایجاد حس مکان در باغ چهلستون بهشهر را در موارد زیر خلاصه کرد:

۴-۱- هندسه

این ساختارها در عین حال حامل شالوده ها و بنیان های شکل بخشی مجموعه از ایده ها و مفاهیم اولیه تا رسیدن به شکل نهایی باغ است و به همان اندازه که اصول هندسی در معماری ایرانی واجد اهمیت هستند در شکل بخشی به مفهوم باغ ایرانی نیز نقش دارند. (پورمند،کشتکار قلاتی۱۳۹۰).

هندسه، اساس هنر و معماری ایرانی است و آن را از هنر و صنایع دستی و نقشهای تزیینی همچون کاشیکاری تا فضاهای عظیم معماری میتوان دنبال کرد. این نگرش زاده دید مفهوم وار ایرانیان به اندیشه، هنر و محیط انسانی است و میتوان آن را در فهم مردم ایرانی از جهان و چهارسویی که برای آن قایل اند، به نظاره نشست. این نگرش هندسی گستره ای از معماری ایرانی از زیبایی و زیبایی شناسی تا ساختارها و شالوده ها را شامل میگردد. تأثیر ساختاری معماری ایرانی از هندسه، تعریف و شکل گیری فضایی، مسایل نیارشی و استاتیکی را تحت تأثیر قرار میدهد. این تأثیرگذاری در باغ ایرانی که در پیوند فضاهای بسته و باز شکل میگیرد، در تمامی عرصه ها به چشم میخورد و ما در باغ، گذشته از شکل گیری هندسی فضاها، شاهد آن هستیم که فضاهای باز و عرصه های طبیعی نیز به نظم درآمده و با هندسه قوام می‌گیرند. هندسه به عنوان یک علت مادی در کنار سایر علتها در باغ، به ابعاد و تناسبات کلی، حصارها،

شکل ٦: شبکه بندی و هندسه ی باغ چهلستون بهشهر

محورهای اصلی و فرعی، ردیف درختکاری، جوی‌های آب، نحوه حضور و عبور آب و به طورکلی به هندسه مسلط میپردازد.

شکل ۷: سیر حرکتی از ابتدا تا کوشک (نگارندگان)

۴-۲- سلسله مراتب

یکی از اصول معماری ایران، وجود نظام ترتیب و توالی در جایگیری فضاها و عملکردها و وقوع فعالیت ها، دیدها و حرکت ها است که به آن سلسله مراتب نیز میگویند. ترتیب و توالی فضاها از این باور نشأت می گیرد که در سیر تدریجی فضاها تا رسیدن به فضای مقصد درک و احساس در یک جریان پیوسته رشد، کمال و آماده سازی برای نیل به شاهد مقصود، قرارمی گیرند.از این گفته برمی آید که دلیل ایجاد سلسله مراتب در باغ چهلستون ایجاد نظم برای درک بهتر موضوع مورد نظر است.

از طرفی رلف اعتقاد داردکه یک مکان موقعی فراتر از یک فضا است که واجد سه خصوصیت محدوده کالبدی،فعالیت و معنا باشدو در این میان معنا راجز اصلی و لاینفک این گروه می‌داند(Relph,1976;Tuan,1974). همانطور که میبینیم هدف از سلسله مراتب در باغ ایجاد نظم برای درک بهتر هدف است که این هدف به معنای عالم بالا ختم میشود. و از طرف دیگر یکی از عناصر مهم ایجاد حس تعلق مکان نیز وجود معنا میباشد، از این دو موضوع بر می آید که هدف سلسله مراتب تسریع مسیر رسیدن به معنا است همان معنایی که درحس تعلق نقش محوری بازی میکند. پس میتوان نتیجه گرفت که سلسله مراتب و حس تعلق مکان با هم در ارتباط هستند و سلسله مراتب باعث تسریع در رسیدن به معنا میشود.

۴-۳- محصوریت فضا

راه ورود به باغ چهلستون، با تجربه کردن مقوله دورنمایی یا «پرسپکتیویته» همراه و همزاد است، راه نماد وجودی بنیادینی است که بعد زمان را تعین می‌بخشد. بعضاً به هدفی معنادار می‌انجامد، جایی که حرکت متوقف شده و زمان تداوم پیدا می‌کند. (نوربرگ شولتز، ۱۳۸۸).

محصوریت در درجه اول به معنای گسترهٔ مشخصی است که یک مرز مصنوع آن را از محیط پیرامونش جدا ساخته است. هم-چنین می‌تواند به شکلی کمتر متمایز و به صورت دسته متراکمی از عناصر باشد که در آن مرز پیوسته‌ای احساس می‌شود و نه حضوری صریح (نوربرگ شولتز، ۱۳۸۸) از این‌رو، می‌توان گفت که دیوار برای باغ چهلستون بهشهر همانند یک کرانه عمل می‌کند و محصوریتی به باغ می‌بخشد که می‌تواند با گردهم آوردن چیزها، چشم‌انداز را به قرارگاه و مرکزی تبدیل کند که دارای خصلت ویژه‌ای است. دیوار یکی از مهم‌ترین عناصر محرمیت در باغ ایرانی محسوب می‌شود به‌طوری که تقریباً تمامی باغ‌های ایران با دیوار محصور شده‌اند (مدقالچی و همکاران،۱۳۹۳).

از دیدگاه پدیدارشناسان انسان دربرقراری با طبیعت دو گونه برخورد می کنند:۱) نخست آنچه در باغ سازی اروپا بیشتر نمود دارد، انسان سعی می کند فهم تجربه شده ازطبیعت را به نحوی مشهود سازد بنابراین درخلق چنین باغ هایی ازآنجا که طبیعت سرسبز و حاصلخیز منطقه خود امکان نامحدودی را عرضه داشته، انسان برای گشایش یا آشکار کردن و محدود ساختن آن محدوده ای می سازد. استراتژی به کار رفته در این نوع باغ سازی محدود کردن است ...گزینش محدوده ای میان بی کران... ۲) این امکان وجود دارد که انسان از طریق گرداوری عالم کوچکی بیافریند تا دنیای او را عینیت و انسجام بخشد در این حالت به ویژه باغ ایرانی پدیده ای بیش ازنقطه سرسبز در طبیعت بکر است و مثل حضوری بدیع تجربه می شود، به این معنی باغ بر خلاف روش پیشتر ذکر شده، طبیعت را بازنمایی نمی کند بلکه به حضور می اورد و می توان گفت باغ ایرانی آشکارگی هستی است. باغ هستی را به موقعیتی که ما مکانش می خوانیم می آورد. مکان با اثر وهم چون باغ به ظهور می آید .بنابراین در این روش مقصود وجودی از ساختن ان است که یک محل را به یک مکان مبدل کند به این معنی که مفاهیم بالقوه حاضر در محیط را آشکار کرده و جهان را قابل رویت میکند. (مرجوعی،۱۳۸۳) بر اساس نظریات شولتز و با بهره گیری از اندیشه هایدگر در مورد مکان و سکونت گزیدن در مکان ویژگی بنیادی مکان های انسان ساخت، تمرکز دادن و محصور کردن است. انها داخل های هستند که انچه را شناخته شده (فهمیده شده) است را گرد می آورند. (مرجوعی،۱۳۸۳) و اهمیت دیوار در حفاظت باغ آنجاست که حیطه باغ را از لحاظ خود پایندگی تعین می بخشد و پیوند آن را با سایر گستره ها مشخص می گرداند و درواقع این مرز (دیوار) حد بهره وری ازمنابع طبیعت است برای انسانی که به طبیعت مقدس می نگرد.

شکل ۸: دیوار غربی باغ چهلستون

شکل ۹: دیوار انتهایی باغ چهلستون به همراه سینه کبکی (نگارندگان)

۴-۴- تقارن

یکی از مباحث مهم در معماری چه در سبک های سنتی معماری و چه در سبک های مدرن ، مبحث تقارن است. تقارن یا عدم تقارن باعث ایجاد تاثیرات بصری و روحی در مخاطب می گردد و می توان توسط آن مفاهیم متفاوتی را به مخاطب منتقل کرد. در طبیعت اجسام بسیار زیادی هستند که خواسته یا تحت تاثیر قوانین فیزیکی دارای تقارن شده اند.به عنوان مثال یک سیب به عنوان محصول خواسته یک درخت دارای تقارن است و کرات و ستاره ها بر اثر قوانین طبیعت (همچون جاذبه) و ناخواسته به صورت متقارن درامده اند.در بسیاری از سبک های معماری به تقارن توجه بسیار زیادی شده است ، به طوری که در سبک های سنتی همچون سبک های اسلامی یا سبک های کلاسیک در اروپا شاهد تاثیر شدید تقارن بر معماری هستیم.در حالی که در سبک های جدید معماری کمتر شاهد تقارن به شکل مطرح در سبک های کلاسیک هستیم(صارمی،۱۹۳۰) از طرف دیگربرای ایجاد حس تعلق مکان واژه (ارتباط کیهانشناختی) را داریم در این رابطه تعلق مکانی به واسطه تطابق میان اسطوره ها و نمادها از طریق مناسبات مذهبی، معنوی یا اسطورهستی شناسی به وجود می آید،در این نظریه میگوید اگر بتوان معنایی را با توجه به نمادها و مناسبات معنوی و هستی شناسی به وجود آورد این معنا به حس تعلق منجر میشود.با مقایسه این دو موضوع میتوان نتیجه گرفت که هدف ازتقارن در باغ ایرانی به نوعی ایجاد ارتباط کیهانشناختی است زیرا این تقارن تلاشی برای به تصویر کشیدن عالم بالا به وسیله به تصویر کشیدن طبیعت، کرات و قوانینی طبیعت است که همان ارتباط کیهان شناسی در حس تعلق مکان میشود .و همچنین میتوان این چنین نتیجه گرفت که قرینگی در باغ ایرانی علاوه بر ایجاد ارتباط کیهانشناختی با سادگی و قابل پیش بینی بودنش مخاطب را آماده پذیرش معنایی مهم تر از کالبد در باغ میکند که آن همان معنای عالم بالا و بهشت است. شاید دلیل این که در حال حاضر تقارن مورد پسند مردم نیست دلیلش در همین مهم نهفته باشد ،زیرا قرینه سازی در عصر حاضر صرفا هدفی کالبدی دارد و معنایی پشت آن نیست به همین دلیل خسته کننده میشود(فرشچیان وهمکاران، ۱۳۹۶).

شکل ۱۰: قرینگی عمارت باغ چهلستون (نگارندگان)

۴-۵- نقش اسطوره ی باغ درحس تعلق مکان

آرزوی زندگی بهتر و برپا داشـــتن شـــهر آرزوها، همواره با انسان بوده است. بهشت به معنای بهترین زندگی بـوده و در ایـران به شکل باغی سرسبز تصور شده است دربـــاره ی میزان تأثیر بهشـــت بـــر فرم باغ می تـــوان گفت چهـار قســـمت کـردن بـاغ اشاره به خارج شدن چهار رود از باغ عدن که در روز ازل ساخته شده، دارد کـه بـه چهـار گوشـه ی عـالم جـاری مـی شـوند. ایـن اندیشه به اسطوره ی عالم هستی برمی گردد.

شکل۱۱: آبراه باغ چهلستون و محل قرارگیری جای شمع ها در کناره ها(نگارندگان)

همانطور که میبینیم اینبار نیز باغ بر مفهومی اشاره میکند که سیتالو در حس تعلق مکان آن را حس تعلق کیهان شناختی بیان میکند در این نوع حس تعلق با استفاده ازبه تصویر کشیدن اسطوره ها و نمادها تلاش میشودحس تعلق مکان را به وجود آورد زیرا وقتی که اسطوره ها و نمادها به تصویر کشیده میشوند انسان در ضمیر ناخوداگاه خود با آن اسطوره ها همزاد پنداری میکندکه این خود باعث حس تعلق میشود(فرشچیان وهمکاران، ۱۳۹۶). این باغ در دوره صفویه و همزمان با پایه ریزی شهر اشرف البلاد، به عنوان دیوانخانه و محلی برای حضور پذیرفتن از سفرا و مهمان های دربار، ساخته شد. با عنایت به ارتباط تنگاتنگ باغ ایرانی و زیبایی، شناسایی اصول تاثیرگذار بر حس مکان در باغ چهلستون بیان شد.

۵- نتیجه‌گیری

مفهوم معمارانهٔ باغ، بازتاب حس مکان یا مکانیت است چون باغ فضای متعّین به شمار می رود که تصویر کل کیهان را درخود به قاب می گیرد .این مفهوم که پرورنده انتظام و هماهنگی است، میتوان از راه عدد، هندسه ورنگ و ماده به حیطه حواس درآید، در عین حال نظر عقل را به ذات، به ساحت باطنی مستتر درفضای مثبت معطوف دارد. باغ در حد مظهری از صورت مرکز گرای عالم کبیر، یا ظاهر، و حیاط در حد مظهری از صورت مرکزگرای عالم صغیر یا باطن، جنبه های از مکان به شمار می آیند که متقابلاً مکمل یکدیگرند (اردلان و بختیار،۱۳۸۰) باغ چهلستون بهشهر شامل فرهنگ،تمدن و نوع نگرش مردم منطقه است که میتواند یک استنباط مشترک بین مردم رادر خود داشته باشد که آن استنباط از باغ(بهشت و یادخدا است)در این پژوهش مفاهیم و ویژگی های باغ چهلستون مورد بررسی قرار داده شده است و ویژیگی های کالبدی و معنایی این باغ که در پررنگ ترکردن حس تعلق تاثیرگذار است به صورت موردی بیان شده که از جمله این ویژگی ها: نقش هندسه باغ چهلستون درحس تعلق مکان ، نقش سلسله مراتب باغ ، نقش اسطوره ی باغ بهشت در ایجاد این حس و.... می توان نام برد.

در مواجهه با باغ چهلستون باید در نظر داشت که هرچند مؤلفه‌ی کالبد با تغییرات اندکی در گذر زمان روبرو شده است، اما فعالیت ها و رفتارهایی که امروزه در آن به وقوع می پیوندد و مفاهیم و معانی که در ذهن مخاطبین آن شکل می گیرد دچار تغییرات اساسی شده است. مؤلفه‌ی معنا از اهمیت و جایگاه خاصی در تشخص مکانی برخوردار است و به نظر می رسد درک حس مکان قوی‌تری که از باغ چهلستون وجود دارد بیشتر متوجه مفاهیمی است که از کالبد باغ برداشت می شود و در صورتی که اشتراک مؤلفه های کالبد و معنا به خوبی فهم و تبیین گردد قابلیت استفاده از آن در معماری منظر معاصر وجود خواهد داشت.

منابع

۱. اردلان، نادر. بختیار، لاله.(۱۳۸۰) حس وحدت، سنت عرفانی در معماری ایرانی، ترجمهٔ حمید شاهرخ با پیشگفتاری ازسید حسین نصر، چاپ اول. تهران: نشرخاک.

۲. بمانیان، محمدرضا، تقوایی، علی اکبر، و شهیدی، محمدشریف. (۱۳۸۷). بررسی بنیادهای فرهنگی- محیطی در عناصر کالبدی باغ های ایرانی (قبل و بعد از اسلام). علوم و تکنولوژی محیط زیست، ۱۰(۱ (مسلسل ۳۶))، ۱۰۳-۱۱۲.

۳. بهزادپور، محمد، الفتی، نرگس، و امامعلی زاده، مهدی. (۱۴۰۱). بررسی حس مکان در بناهای تاریخی دوره قاجار؛ نمونه موردی مدرسه و آب انبار سردار محله آخوند. شباک، ۸(۱ (پیاپی ۶۴))، ۱۳۱-۱۴۰.

۴. پورمند, حسنعلی، کشتکار قلاتی، احمدرضا. (۱۳۹۰). تحلیل علت‌های وجودی ساخت باغ ایرانی .نشریه هنرهای زیبا: معماری و شهرسازی۳(۴۷)، ۶۲-۵۱.

۵. پورمند, حسنعلی،کشتکار قلاتی, احمدرضا. (۱۳۹۰). تحلیل علت‌های وجودی ساخت باغ ایرانی .نشریه هنرهای زیبا: معماری و شهرسازی ,(۳)۵۱.۴۷-۶۲.

۶. جمال الدین، غلامرضا.(۱۳۹۶). تاریخ باغ و باغ‌سازی در ایران: انتشارات تهران روزنه.

۷. جوان فروزنده، علی، مطلبی، قاســم. (۱۳۹۰). مفهوم حس تعلق به مکان و عوامل تشکیل دهنده آن. هویت شهر،۵(۸)، ۳۷-۲۷ .
۸. چگینی، ن.(۱۳۸۱) .دائره المعارف بزرگ اسلامی، جلد ۱۱، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد.
۹. حقیقت بین, مهدی. (۱۳۹۶). جایگاه نشانه‌ها در تقویت حس مکان در باغ ایرانی .منظر ۹(۴۰).۶-۱۵.
۱۰. دهقان، فرزانه السادات، و فرقانی، کیوان. (۱۳۹۹). پدیدارشناسی منظر کوشک در سیستم باغ شاه و آسیب شناسی تحولات آن در ادوار مختلف. منظر، ۱۲(۵۱)، ۴۸-۵۷.
۱۱. رضازاده, اسحق ,حیدرنتاج, وحید. (۱۳۹۶). بازشناسی باغ جهان نمای فرح آباد براساس شواهد باستان شناختی و قرائن تاریخی .پژوهش های باستان شناسی ایران۷(۱۴).
۱۲. رضازاده، اسحق، بهرامیان، آرمین، امین پور، احمد، و حیدرنتاج، وحید. (۱۴۰۰). تحلیل نقش چشم انداز در موقعیت استقرار و ساختار فضایی عمارت اصلی دربا‌غ ایرانی (مطالعه موردی: باغ های دوره صفوی در شمال ایران). منظر، ۱۳(۵۵)، ۶-۱۹.
۱۳. ستوده، منوچهر.(۱۳۶۶). از آستارا تا استرآباد، ج(۴). تهران: وزارت فرهنگ و آموزش عالی.
۱۴. شاهچراغی، آزاده. (۱۳۸۹). پارادایم‌های پردیس (درآمدی بر بازشناسی و بازآفرینی باغ ایرانی)، انتشارات جهاد دانشگاهی تهران.
۱۵. شیبانی، مهدی، درفشی، علی، و پرهوده، فاطمه. (۱۳۹۲). سنجش چرایی دلبستگی مخاطبان به برخی مناظر و عوامل شکل دهنده آن. صفه، –(۶۳)، ۴۷-۵۸.
۱۶. صالحی، آتنا، حقانی، مهسا، صالحی بالادهی، عالمه.(۱۴۰۱). تعمیم‌پذیری مفهوم «مرکز» از دیدگاه کریستوفر الکساندر در باغ چهلستون بهشهر. سومین کنفرانس بین المللی معماری، عمران،شهرسازی،محیط زیست و افق های هنر اسلامی در بیانیه گام دوم انقلاب.
۱۷. طوسی، معصومه، و امامی فر، سیدنظام الدین. (۱۳۹۰). نمادشناسی و نشانه شناسی عناصر باغ های ایرانی با توجه به عناصر باغ فین کاشان. نگره، ۶(۱۷)، ۵۹-۷۱.
۱۸. علینام ز (۱۳۹۳)، «بررسی دلبستگی به مکان در محله با رویکرد روان‌شناسی شناختی»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه تبریز.
۱۹. فرشچیان، امیرحسین. شجاعیان، فرشاد.(۱۳۹۶) نقش اصول باغسازی ایرانی در حس تعلق مکان. کنفرانس بین المللی عمران، معماری و شهرسازی ایران معاصر ایران – تهران، مرداد.
۲۰. فلاحت، محمد صادق. (۱۳۸۵) .مفهوم حس مکان و عوامل تشکیل دهنده آن .نشریه هنرهای زیبا، ۲۶: ۵۷-۵۱.
۲۱. فلامکی، محمدمنصور. (۱۳۸۳). رمز و رازهای باغ ایرانی در گفتگو با محمدمنصور فلامکی. موزه ها، (۴۱)، ۳۹-۴۰.
۲۲. مدقالچی, لیلا. انصاری, مجتبی ,بمانیان, محمدرضا. (۱۳۹۲). روح مکان در باغ ایرانی .باغ نظر۱۱(۲۸).۲۵-۳۸.
۲۳. مرجوعی،علی.(۱۳۸۳).باغ همچون رویداد،فصلنامه معماری و شهرسازی،شماره،۷۸-۷۹زمستان.
۲۴. مصباح نمینی, سلماز. (۱۳۸۳). روند شکل‌گیری مجموعه باغ‌های تاریخی بهشهر .باغ نظر. ۱(۲). ۵۵-۶۸.
۲۵. نعیما، غلامرضا.(۱۳۸۵). باغ‌های ایران، انتشارات پیام نور تهران.
۲۶. نوربرگ شولتز.(۱۳۸۸). روح مکان : به سوی پدیدارشناسی معماری، ترجمهٔ محمدرضا شیرازی. تهران: انتشارات رخ داد نو.
27. Altman, Place Attachment, 12, 253-278. Psychology, 6(1), 49-63. Routledge.
28. Canter, D. (1997). The facets of place. Toward the integration of theory, methods, research, and utilization, 109-147.
29. Carmona, M. (2021). Public places urban spaces: The dimensions of urban design.
30. Casey, E. S. (2001). Between geography and philosophy: what does it mean to be in the place-world?
31. Degnen, C. (2016). Socialising place attachment: place, social memory and embodied affordances. Ageing & Society, 36(8), 1645-1667.
32. Gussow, A. (1972). A sense of place: The artist and the American land (Vol. 2). Friends of the Earth.
33. Gustafson, P. (2014). Place attachment in an age of mobility. Place attachment: Advances in theory, methods and applications, 37-48.
34. Hummon, D. M. (1992). Place attachment. Community Attachment. In S. Low, & I.
35. Jackson, J. B. (1994). A sense of place, a sense of time. Yale University Press.
36. Norberg-Schulz, C. (2013). The phenomenon of place. In The urban design reader (pp. 292-304). Routledge.
37. Popović, M., Petronijević, M., Stefanović, D., & Dimitrijević, M. (1998). Rational for the use of human immunoglobulins in clinical practice. Vojnosanitetski Pregled, 55(2 Suppl), 53-62.
38. Relph, E. (1976). Place and placelessness (Vol. 67). London: Pion.
39. Shamai, S. (1991). Sense of place: An empirical measurement. Geoforum, 22(3), 347-358.

40. Shamai, S. (1991). Sense of place: An empirical measurement. Geoforum, 22(3), 347-358.
41. Sime, J. D. (1986). Creating places or designing spaces?. Journal of Environmental
42. Steele, F. (1981). The sense of place. CBI publishing company.
43. Turner, P., & Turner, S. (2006). Place, Sense of Place, and virtual Environments. Social Informatics Research Group, 15(2), 209-212.